

۷۷۴۷

دانشگاه تهران

دانشکده علوم تربیتی

گروه آموزشی کتابداری

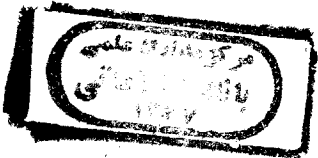
پایان نامه فوق لیسانس کتابداری

عنوان

سیر فهرست نگاری و تدوین کتابشناسی معاصر در ایران

تهیه و نگارش

شهره سلجوقی



استاد راهنما

خانم نوش آفرین انصاری (محقق)

تذرمه ۱۳۵۹

فهرست مندرجات

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
الف - ب	مقدمه
	بخش اول
۱	۱ - مجملی از تاریخ کتابخانه و فهرست نویسی در ایران
۶	۲ - اقسام فهرست ها
۶	۲-۱- سیاهه نویسی
۱۰	۲-۲- فهرست نگاری
۱۲	۲-۳- کتابشناسی
۱۶	۳- تاء شیر غرب
۱۸	۳-۱- ربرخورد مستقیم ایرانیا با شیوه های غربی فهرست نگاری و کتابشناسی
۲۰	۳-۲- رواج فهرستها و کتابشناسی های غربی در ایران
۲۲	حواشی بخش اول
	بخش دوم
۲۸	۴ - فهرست نگاری
۲۸	۴-۱- مقدمه

✓✓✓

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۲۹	۲-۴- تعریف
۳۱	۳-۴- سیری در فهرستنگاری معاصر ایران
۳۸	۴-۴- معرفی تئوری چند از فهرستنگاران معاصر
۳۸	۱-۴-۴- اعتصامی، یوسف
۳۸ مکرر	۲-۴-۴- انوار، سید عبدالله
۳۹	۳-۴-۴- حائری، عبدالحسین
۳۹	۴-۴-۴- حدائق، ضیاءالدین
۴۰	۵-۴-۴- دانش پزوه، محمدتقی
۴۱	۶-۴-۴- منزوی، علی نقی
۴۱	۷-۴-۴- منزوی، احمد
۴۲	۵-۴- فهرستنگاری از دیدگاه فهرستنگاران معاصر
۴۷	حواشی بخش دوم
	بخش سوم
۵۰	۵- کتابشناسی
۵۰	۵- ۱- مقدمه
۵۱	۵- ۲- تعریف

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۵۱	۵ - ۳ - سیرکتا بشناسی در ایران
۵۸	۵ - ۴ - معرفی تثنی چندا زکتا بشناسان معاصر ایران
۵۹	۵-۴-۱- آذرنگ ، عبدالحسین
۵۹	۵-۴-۲- افشار ، ایرج
۶۰	۵-۴-۳- تهرانی، شیخ آقا بزرگ
۶۱	۵-۴-۴- مشار، خانبا یا
۶۱	۵ - ۵ - کتابشناسی از دیدگاه کتابشناسان معاصر
۶۶	حواشی بخش سوم
	بخش چهارم
۶۹	۶ - ضما تم
۶۹	۶-۱- ضمیمه ۱ - مصاحبه ها
۶۹	مقدمه
۷۰	آذرنگ ، عبدالحسین
۷۵	افشار ، ایرج
۷۹	انوار ، سیدعبدالله
۸۷	حائری، عبدالحسین

عنوان

صفحه

۹۲	دانش پژوه، محمدتقی
۹۹	مشار، خانبا
۱۰۲	منزوی، علی نقی
۱۱۱	۲-۶- ضمیمه ۲- برخی از فهرستهای فارسی و عربی تا قرن سیزدهم
۱۱۶ مکرر	حواشی ضمیمه شماره ۲
۱۱۷	۳-۶- ضمیمه ۳- برخی از فهرستهای غربی
۱۲۱	حواشی ضمیمه شماره ۳
۱۲۲	۴-۶- ضمیمه ۴- برخی از فهرستهای چاپ شده بعد از مشروطیت
۱۴۴	حواشی ضمیمه شماره ۴
۱۴۵	۵-۶- ضمیمه ۵- برخی از کتابشناسیها و سازمانهای تهیه کتابشناسی بعد از مشروطیت
۱۵۵	حواشی ضمیمه شماره ۵
۱۵۶	کتابشناسی

مقدمه

پایان نامه حاضر چنانکه از نام آن پیداست تحقیق گونه ایست درباره فهرست نگاری و کتابشناسی از نهضت مشروطیت به بعد در ایران. درباره تفاوت این دو مفهوم در متن تحقیق با اندازه ای که در خور این پایان نامه است اشاره بعمل آمده است. در اینجا مقدماتاً "افزوده میگردد که منظور از فهرستنگاری تنها فهرست کتب خطی موجود در کتابخانه های ایران و منظور از کتابشناسی فهرست کتب چاپی که در ایران در این دوره به چاپ رسیده میباشد.

روش تحقیق مبتنی بر طرقتی چند بوده که عبارتند از:

الف - مطالعه فهرست ها و کتابشناسیهای عمده و تعمق در مقدمه های آنها و

استنتاج اصولی که مؤلفین هر یک از آنها مراعات کرده اند.

ب - مطالعه کتب و مقالاتی که درباره فهرستنگاری و کتابشناسی در ایران

تدوین گردیده است.

ج - مصاحبه با تنی چند از فهرستنگاران و کتابشناسان حاضر به شرحی که در

فهرست مندرجات آمده است و تنظیم نظریاتی که هر یک در ارفکار خود

در زمینه این تحقیق ابراز داشته اند. در مورد بعضی از فهرستنگاران و

کتابشناسان که دسترسی با آنها حاصل نشد یا اینکه در قید حیات نبودند از

ب

نزدیکان آنها اطلاعات ضروری کسب، بعلاوه به مقالاتیکه درباره آنها نگاشته شده و در دسترس بود مراجعه گردید.

د - با آنکه روش انتخابه برای تدوین تا حدودی میتواندست نتایج بالنسبه رضایت بخشی بدهد ولی بلحاظ کمی فرصت و قلت سرمایه علمی نگارنده و نداشتن امکان دسترسی به تمام منابعی که میشد آنها را در کتابخانه ها سراغ کرد و نیز بلحاظ عدم امکان مراجعه با کسانیکه در خارج از تهران بخصوص در شهرستانهایی نظیر مشهد و شیراز سکونت دارند مانند آقایان ولایی و ابن یوسف، این تحقیق آنطور که باید و شاید کامل نیست. نگارنده با وقوف به چنین نقایمی درصدد است در صورت بدست آمدن امکانات لازم این تحقیق را در آینده دنبال و این اثر را بصورتیکه کمتر مورد ایراد و انتقاد ارباب بصیرت باشد ارائه دهد.

در خاتمه از خانم نوش آفرین انصاری که استاد و راهنمایم در تدوین این پایان نامه بوده اند و از خانم پوری سلطانی که موضوع این رساله را به من پیشنهاد کردند و آقایان عبدالحسین آذرنگ و کامران فانی بخاطر کمکهای فکری تشکر می نمایم.

بخش اول

۱ - مجملی از تاریخ کتابخانه و فهرست نگاری در ایران :

فهرست نگاری همواره با ایجاد کتابخانه و جمع آمدن کتب متعدد در یک

نقطه قرین بوده است. از اینرو برای بررسی مسئله فهرست نگاری و کتابشناسی^{بی} ناگزیر باید به کتابخانه‌ها نظر افکند .

هنگامیکه بشر به جمع آوری آثار مکتوب خود در یک محل برای حفظ

آنها از گزند حوادث پرداخت ، نطفه کتابخانه بسته شد و نخستین کتابخانه‌ها

زمانی ایجاد گردید که بشر الواحی را که مقاصد و افکار خود را بر روی آنها حک

کرده بود در یک محل گردآوری کرد . چنانکه اکتشافات باستان شناسی و نوشته

های ابن الندیم و ابو جعفر محمد بلخی^(۱) گواه مسلمتی به وجود چنین کتابخانه‌ها

در ایران باستان میباشد ، که اسکندر قسمتی از آنها را به کتابخانه‌ای در اسکندریه^{بی}

منتقل ساخت .

در دوره ساسانیان وجود کتابخانه به مفهوم امروزی آن مسلم است ، خاصه

آنکه در آن عهد صنعت کاغذ سازی وجود داشته و این امر منتهی لازم برای تهیه^(۲)

کتب به صورت امروزی آن بوده است . یکی از آن کتابخانه‌ها که متعلق به

شاپورین اردشیرپادشاه ساسانی در بغداد (بغ دات) بوده، حتی پس

از رواج اسلام تا زمان هجوم طغزل سلجوقی به آن شهر پابرجا بوده و بر اثر

این جماعه از میان رفته است. بعلاوه بنقل ابن الندیم، اردشیرپایکان^(۳)

به جمع آوری کتابها نیکه از ایران باستان در چین و هند پراکنده شده بود^{مردانست}

و فرزندوی شاپورا اول آنها را با کتابهای دیگر از جمله کتابها نیکه از سایر

زبانهای فارسی آن عهد (فارسی میانه) ترجمه شده بود، در گنجینه‌های

گرد آورد و به جمع آوری اوستا و سرگمشت^(۴) در عهد انوشیروان نیز در

دارالعلم گندی شاپورا هواز کتابخانه‌ای فراهم آمده بوده است^(۵).

پس از پیروزی اسلام که علم از انحصار طبقه‌ای معین خارج شد، خاصه

هنگامی که نوشتن کتب فقهی و تفاسیر و تاریخ زبان و ادبیات عرب و ترجمه

آثار علمی و فرهنگی اقیام و نقل غیر عرب رواج یافت، تاسیس کتابخانه‌ها

صورت دیگری بخود گرفت و عمومیت پیدا کرد، که قدیمترین آنها عبارت بودند از:

کتابخانه منسوب به خالد بن یزید بن معاویه که مردی دانشمند

و ادب‌پرور بود در قرن اول هجری که بقولی قدیمترین کتابخانه در قلمرو^(۶)

حکومت اسلامی است که برای استفاده عموم بوده است^(۷)، کتابخانه دارالحکمه

کداساس آن ظاهر در زمان هارون الرشید، گذارده شده^(۸) و در عصر مأمون گسترش یافت.

و در ایران اسلامی قدیمترین کتابخانه‌ای که نام و نشان آن بیادگار مانده، کتابخانه ابوالوفابن سلمه همدانی ایست که پیش از سال ۲۰۰ - هجری در همدان دایر بوده^(۹)، دیگر کتابخانه عمادالدوله دیلمی در شیراز و کتابخانه نوح بن منصور سامانی و کتابخانه مسعود غزنوی است که مسعود سعد سلمان مدتی کتابدار آن بوده و خود را با آن مفتخر میدانسته^(۱۰). همچنین کتابخانه ابن عمید وزیر درری که ابن مسکویه عنوان کتابداری آن را داشته^(۱۱) و کتابخانه‌های دیگری که در این مختصر نیاز به بیان آنها نیست.

کتابخانه‌های آن اعمار طولانی را که بمرور پدید آمده، گسترش یافته و بر اثر حوادث ایام از میان رفته می‌توان با در نظر گرفتن کیفیت مراجدها، استفاده از آنها و تعلق با فرد یا جامعه در سه دسته خلاصه کرد:

الف - کتابخانه‌های متعلق به امرا و سلاطین و رجال دولتی که برای^(۱۲) نشان دادن علاقه خود به دین و دانش به جمع آوری کتب از طرق مختلف میپرداخته‌اند و بد آنها نظیر سایر اشیاء ذیقیمت شخصی خود نگاه می‌کردند.

دسترسی به آن کتابخانه‌ها محتاج اجازه خاص بوده و این نکته از فحوای عبارت ابن سینا که در سطور آینده درج میگردد استنباط میشود.

ب - کتابخانه‌های بقاع متبرکه رمدارس و مساجد^(۱۳) که کتابهای

کتابخانه‌هایشان از طریق وقف و اهداء از طرف نیکوکاران یا امرا و رجسالی

تامین میشد، چنانکه شاه عباس صفوی در سال ۱۰۰۹ هجری چند جزوه قرآن

وقف آستان قدس کرده بود^(۱۴) و کتابخانه‌های عمومی که برای استفاده

همگان دایر بوده مانند کتابخانه عمومی مره که با قوت حموی دریاوردن آن -

چنین آورده است " امانت گرفتن کتاب از کتابخانه‌های دهگان مره بسیار

سهل الحصول و آسان رسیدن تشریفات بود . کتابهای آن پیوسته در دسترس

عموم قرار میگرفت . من همه وقت در خانه‌ام در حدود ۲۰۰ جلد از کتابهای

این کتابخانه‌ها را در امانت داشتم و بیشتر کتابهایی که برای مطالعه

میخواستم بدون سپردن وجه‌الضمان یا دادن گروبی در اختیارم گذاشتند^(۱۵) .

لازم بتذکر است که کتابخانه‌های بقاع متبرکه و مدارس و مساجد ، و

کتابخانه‌های عمومی (چنانکه از اسمش هویدا است) هرگز برای استفاده

عموم بوده است و توضیح این نکته لازمست که لفظ عمومی در آن دوران بس

دلایل عدیده‌ای نظیر محدود بودن کتاب و نقصان افراد با سواد و آژیه بسیار
محدودی بوده و منحصر به گروهی طالب علم میشده است .

ج - کتابخانه‌های خصوصی و یا شخصی دانشمندان و فقها^(۱۶) که نظیر

کتابخانه‌های خصوصی شخصی فعلی فراهم می‌آمده . مانند کتابخانه شخصی

ابونصر فارابی و کتابخانه خصوصی ابوحامد محمد غزالی^(۱۷) .
^(۱۸)

در آن اعتبار کتابخانه را " گنجینه " و کتابدار را " گنجور " می‌گفته‌اند

و در زبان عرب " خزانه " و " خازن " اطلاق می‌کرده‌اند .
^(۱۹)

۶

۲ - اقسام فهرستها :

در هر دو اقسام کتابخانه ها تیکه ذکر آنها گذشت تهیه صورت ریز کتابها به دو منظر و طریق مرسوم بوده است .

الف - صورتیکه در آن به کتاب بعنوان شیئی ذیقیمت توجه میشده و غرض از تنظیم صورت ، مراقبت از آن و حفظ آن بوده کدب آنها در این تحقیق به تبعیت از متاخرین سیاهها اطلاق خواهد شد .

ب - صورتیکه جنبه علمی داشته و بیشتر متوجه ماهیت کتابها بوده است که به فهرستنگاری و کتابشناسی امروزی نزدیکتر است و آنرا فهرست من می نامیم .

۲-۱- سیاه نویسی :

هنگامیکه مسوول کتابخانه (خازن یا گنجور)^(۲۰) تغییر میافتد و به جهت آن یا جهات دیگر ، نماینده کتابهای کتابخانه ای (گنجینه یا خزانه) بهمراه سایر اشیاء ذیقیمت موجود در آن لازم میآمده ، سپس از بازدید هر کتاب کلماتی از قبیل " عرض ، ملاحظه ، تحویل ، ابواب جمع کتابداروخازن "^(۲۱) در حاشیه آن درج میگردد . و باین طریق نشان میدادند

که کتابها باز دیده شد. و در خاتمه کار نیز صورتی از کتابها و تمامی اشیاء
تهیه و در آن به توصیف ظاهری آنها اکتفا میکردند. این جریان را با مراجعه
به حاشیه کتابهای مانده از اعصار قدیم و سیاهه‌هایی که مربوط به قرون
اخیر است، نتوان مشاهده کرد. چنانکه در مورد گنجینه شیخ صفی در تاریخ
۱۱۲۷ هجری پس از حوادثی که به آن گنجینه گذشته کوماری بطول ۷۵۷ و عرض
۱۲ سانتیمتر تحت عنوان عرض تهیه شده و در آن ضمن احصاء مشخصات سایر
اشیاء از کتابها نیز یاد شده و در باره کتابها پس از ذکر تعداد کلی کتابها
و تعداد مجلدات هر عنوان بذكرناقص اسم هر کتاب که بآن شهرت داشته و اواماف
جلد و کاغذ و خط و صنایعی که در حواشی آن بکار رفته بسنده کرده اند مانند:
"صحف مجید . ۷۴۴ جلد . ۳۰ جرو . در ردیف نهم چنین قید شده بخط
: یارک حضرت امیر المومنین علیه السلام . تمام قرآن . پوست آهو . مذهب
چند تیماج بیاض . حاشیه ترنج دارسبز . اندرون متن مذهب ترنج دار .
مع قابلق حدائی سرخ . مستعمل . مجلد . (۲۲) جالب آنکه در قسمت‌های
از این طومار این عبارت ملاحظه میگردد . " بعرض میرساند که در خصوص
بعضی اجناس و اسباب سرکار آستانه مقدسه که وکلاء سامی در این وقت

با زدیدن نموده نسبت به نسخه میرزا عبدالله مشارالیه که سی سال قبل از ایسن
 ممیزی شده تصور ملاحظه ... صورت کسور مزبور را مفصلاً قلمی و عرض نماید. (۲۳)
 نویسنده طوما رمزبوردن بال این عبارت علل از میان رفتن بعضی اشیاء و
 کتابها را در فاصله دو بازدید بر شمرده. از این عبارت معلوم میگردد که هر
 ممیزی با ملاحظه سناهاه قبلی صورت میگرفته و این سیاهها در کتابخانه
 حفظ میشده است. نظیر این جریان در مورد کتابخانه سلطنتی قاجار ملاحظه
 میگردد. و در آن از کتابها به همراه سایر اشیاء در اوراقی بنام ~~...~~
 صورت برداری میشده است و تحویل و تحول کتابها و بطور کلی " خزانه " ~~...~~
 با تهیه چنین صورتهائی که به مجموعه آنها دسته فردی استک اطلاق میشده
 صورت میگرفتند. نگارش این دستفردها با خط سیاق همراه بوده. به علاوه
 کتابها با شماره ترتیبی مشخص گردیدند است. منبأب مثال عبارات منسدرج
 در برگ پایانی دستک شماره ۱۲ عیناً نقل میگردد و باین عبارت: " عمر -
 خیام ، عربی ، قطع وزیری ، تاریخ طبع ۱۲۹۹؛ (؟) در بغداد ، جلد کاشفی
 آبی ، نمره ۱۲۵۲۶ ، یک جلد . تا این شماره در این افراد خاتمه
 داده میشود. دیگر به این افراد مراجعه نمیشود و از شماره ۱۲۵۲۷ دروزقه